رسانه

یکشنبه :: ۳۰ دی ۱۳۹۷ :: شماره ۵۳۰۴

جام جم ۵

جام جم صفر تا صد ساخت آگهی‌های تلویزیونی را بررسی می‌کند:

قصه پیام‌های بازرگانی

زهرا غفاری
رسانه

شاید برایتان جالب باشد بدانید، اما اگر یك روز ساعت دست بگیریم و میزان دقایق تماشای آگهی‌های تبلیغاتی را در تلویزیون بررسی کنیم، احتمالا به این نتیجه می‌رسیم که مجموع دقایق تماشای تبلیغات تلویزیونی‌مان، از تماشای خود برنامه‌ها بیشتر است و ما ناخواسته در بخش عمده‌ای از مدت زمانی که وقتمان را به تماشای رسانه اختصاص داده‌ایم، تبلیغات کالاها و خدمات گوناگون را دیده‌ایم.

این تماشای تبلیغات و قرار گرفتن در معرض آن، فقط هم مختص به تلویزیون نیست و این روزها همه عرصه‌ها را شامل می‌شود. انسان ماشینی شده امروز، بخش عمده‌ای از نیازها و حتی آمال و آرزوها و رویاهایش، بی‌آن که خود بداند و در جریانش باشد، متأثر از فضای رسانه‌هایی است که در معرضشان قرار دارد و پیام‌های تبلیغاتی و آگهی‌های بازرگانی، بی‌آن‌که خود بدانیم، بخش عمده‌ای از سبك زندگی‌هایمان را تغییر داده‌اند و کالاهایی را به سبد هر روزه خریدمان اضافه کرده‌اند که شاید در غیاب این تبلیغات، هیچ‌وقت نیازی به داشتنشان احساس نمی‌کردیم؛ اما حالا حضورشان برایمان ضروری شده و استفاده کردنشان لازم. بی داشتنشان انگار که چیزی گم کرده‌ایم و جای عنصری در زندگیمان خالی است.

حالا تبلیغات رسانه‌ای خود به نوعی محصول فرهنگی تبدیل شده است و برای تولید پیامی تبلیغاتی که بتواند دامنه بیشتری از مخاطبان را جذب کند و به اصطلاح فراگیرتر باشد، تلاش و دقت فراوانی از سوی سازندگان و صاحبان سرمایه‌ها صورت می‌گیرد.

در این میان برخی تبلیغات محبوب‌تر هم شده‌اند و با توجه به دارا بودن عنصرهایی چون جذابیت و نوآوری، ریتمیك بودن و استفاده از شعر و موسیقی یا عوامل دیگر، تعدادی از این تبلیغات توانسته‌اند برای مردم کوچه و بازار آشنا شوند و با توجه به همین عامل آشنایی و تکرارپذیری، به فرهنگ عامه‌مان هم راه پیدا کنند.

نمونه‌اش هم این‌که حالا هروقت می‌خواهیم از زمان و مکان چیزی صحبت کنیم، به سؤالات ریتمیك آن موسسه کمك آموزشی که می‌گفت: «چی...؟ کجا...؟» مراجعه می‌کنیم و هنوز خیلی‌ها هستند که موقع درست کردن سالاد الویه، ناخودآگاه شعر «می‌خوام سالاد درست کنم...» که آگهی تبلیغ سس مایونز بود را با خود زمزمه می‌کنند. از تبلیغ آهنگین پوشک بچه و رب گوجه‌فرنگی و روغن آفتابگردان و چه و چه، با آن رنگ‌های دلربا و جذابشان هم که بگذریم...

همه این عوامل دست به دست هم داده‌اند و چه بخواهیم قبول کنیم و چه نه، آگهی‌های بازرگانی را به محصولاتی حائز توجه تبدیل کرده‌اند.

محصولاتی که فرهنگ‌ساز هم هستند و مرور صفر تا صدِ ساخته شدن تا به روی آنتن رفتن و پخش چندباره‌شان را جالب توجه می‌کند.

جام جم در این گزارش صفر تا صد ساخت آگهی‌های تلویزیونی را بررسی و موشکافی کرده و همچنین با دو بازیگر شاغل در عرصه تبلیغات صحبت کرده است.

ادامه در صفحه ۶

ببینید و بشنوید

شبکه یك

۹/۳۰	حرف حساب
۱۱/۱۰	آفتاب شرقی
۱۶	سیمای آبادی
۱۷/۵۰	فرمول یك
۲۳	پایش

شبکه دو

۱۱/۳۵	یك فنجان سلامت
۱۳/۴۵	سریال خانواده جدید
۱۴/۳۰	چله انقلاب
۱۹/۴۵	یك روز خاص
۲۱	نگی که نگفتی
۲۳/۳۰	شب گشت

شبکه سه

۷	حالا خورشید
۱۵	تنها میان طالبان
۱۷/۳۰	دست به دست
۱۹	آسیا ۲۰۱۹
۲۰/۳۰	پخش مستقیم فوتبال ایران - عمان
۲۳/۱۵	متن حاشیه

شبکه چهار

۸	طلوع
۱۰	چرخ
۱۶	گزینه چهار
۲۰/۳۰	تیتر۴
۲۳	شب‌های هنر

شبکه پنج

۷	حوالی امروز
۱۳/۳۰	سریال هتل
۱۴/۲۰	چوب برای باتلاق
۱۵/۱۵	رنگین کمان
۱۶/۵۰	به خانه برمی‌گردیم
۲۰	تهران ۲۰
۲۳	سریال قلب‌های شکسته

شبکه نمایش

۱۳	باغبان
۱۵	صد روز در پالرمو
۱۷	بدون ذره‌ای تردید
۱۹	سایه سکوت
۲۱	به آهستگی
۲۳	نجات بزرگ

یادداشت:
علی‌اکبر ثقفی
تهیه‌کننده

نیروهای مستعد خارج از مرکز را دریابید

رمز پیشرفت تولید چه در تلویزیون و چه در دیگر مدیوم‌هایی که از نزدیك با مخاطب ارتباط دارند، آن است که به‌روز باشند و بکوشند با استفاده از استعدادهای جوان، باانرژی و باانگیزه اسباب تولید محصولات سرگرم‌کننده و استاندارد را چه به لحاظ محتوایی و چه به لحاظ ساختاری فراهم کنند.

باید زدوبندها و رابطه بازی‌ها را کنار گذاشت و به فکر جذب استعداد بود. این خوب نیست که استعدادهای جوان هرقدر هم توانایی داشته باشند، اگر حامی نداشته باشند به جایی نرسند. تا به‌حال چند جوان مستعد فیلمنامه‌نویس یا کارگردان را دیده‌اید که به خاطر کارش جذب شود و حتی اگر ساکن شهرستان باشد به او پیشنهاد همکاری داده شود؟

مستعدترین جوانان ما حتما باید یك آشنایی و ارتباط با فلان تهیه‌کننده قدرتمند داشته باشند تا جذب شوند و به آنها کار

فیلم «مرگ کسب‌وکار من است» به تهیه‌کنندگی ثقفی

داده شود. ای کاش سفارش تولید هم کنکوری داشت تا رابطه بازی زمینه‌ساز ورود نباشد. همان طور که برای علاقه‌مندان به پزشك شدن و دوستداران تحصیل در مهندسی و دیگر رشته‌های کلیدی، کنکوری جامع برگزار می‌کنند تا صرفا افراد باسواد بتوانند ورود پیدا کنند، باید برای محول کردن پروژه‌های مختلف تلویزیونی به افراد هم کنکورهایی داشت تا استعدادهای درجه یك وارد تولید شوند نه آنها که رابطه و به اصطلاح پارتی دارند.

همان‌طور که زمانی مدیران همین تلویزیون شرایطی را فراهم آوردند که برخی چهره‌های سرشناس این سال‌ها بتوانند از طریق تلویزیون شناخته شوند و تجربه بیاموزند حالا هم باید همین‌طور باشد، یعنی جوان‌ترهای مستعد به‌خصوص آنها که در شهرستان‌ها هستند و دور از مرکزند بتوانند بیایند و برای تلویزیون کار کنند. حداقلش این است که طرح‌هایشان را بنویسند و به دست تصمیم گیرندگان برسانند. مطمئنا آنها که در بطن کار نیستند و درگیر کلیشه نشده‌اند، ذهن بازتری دارند نسبت به آنها که به دلیل درگیری مدام در تولید به دام تکرار افتاده‌اند. این جوانان مستعد دور از پایتخت را جذب و شرایط فعالیتشان را فراهم کنند؛ این طوری قطعا اوضاع تولید تلویزیون به مراتب بهتر خواهد شد.

قَند

فیلم سینمایی به آهستگی، امشب ساعت ۲۱ از شبکه نمایش پخش می‌شود.

قصه: کارگر جوشکار خط‌های راه‌آهن در جنوب ایران به نام محمود با تماس تلفنی می‌فهمد که پری همسرش منزل را ترك کرده‌است. همه شواهد نشان از خیانت پری دارد، اما مرز بین داوری و باور، محمود را وادار به جست‌وجو می‌کند.

جذابیت‌ها: این فیلم برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم در بخش مسابقه بین‌الملل دوره ۲۴ جشنواره فیلم فجر، برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر مرد بخش مسابقه بین‌الملل و همچنین برنده دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه در بخش مسابقه سینمای ایران همین دوره از جشنواره شده است.

کارگردان: مازیار میری

بازیگران: محمدرضا فروتن، نیلوفر خوش‌خلق

سال ساخت: ۱۳۸۴

نُقل

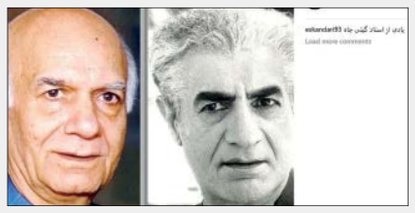

عبدا... اسکندری، گریمور در صفحه اینستاگرامش عکسی از ناصر گیتی‌جاه منتشر کرد و نوشت: «یادی از استاد گیتی‌جاه».

در این عکس گیتی‌جاه با چهره خود و همچنین با گریمی در نقش محمدرضا شاه پهلوی دیده می‌شود. معروف است که این بازیگر نخستین کسی است که نقش شاه را بازی کرده است. این گریم مربوط به مجموعه تلویزیونی طبل تو خالی است که دهه فجر سال ۱۳۶۲ از شبکه یك سیما پخش شد.

نویسندگی و کارگردانی این مجموعه را احمد نجیب‌زاده بر عهده داشت و بازیگرانی چون کیومرث ملك مطیعی، محمدعلی ورشوچی، رضا کرم رضایی، منوچهر حامدی و... در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند.

در خلاصه این داستان آمده است: در توطئه‌ای به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی، یکی از عوامل رژیم گذشته به کمك شخصی که شباهت ظاهری زیادی به محمدرضا پهلوی دارد، مرگ شاه را تکذیب کرده و شایعه بازگشت او را پخش می‌کند و...

نَقل

لیلا بلوکات در گفت‌وگو با خبرآنلاین در مورد مدتی دوری‌اش از بازیگری در تلویزیون گفته است:

من کاملا خودخواسته پنج سال خواستم که کار نکنم. چون احساس کردم در پنج سال گذشته یك سری انتخاب‌های اشتباه داشتم و خودم به این نتیجه رسیدم که مسیر اشتباهی را می‌روم. خودم را تنبیه کردم و هر پیشنهادی را که شد نپذیرفتم چون قبل از آن هر پیشنهادی را که حتی سلیقه من هم نبود قبول کرده و فکر می‌کردم باید کار کنم و باشم.

من بعد از سریال «حضرت یوسف» دو سال کار نکرده و احساس کردم مشاوره‌های اشتباهی گرفته بودم. بعد از دو سال چند انتخاب اشتباه در کارنامه کاری‌ام داشتم، اما از جایی به بعد خودم متوجه شدم که مسیر را اشتباه می‌روم. برخی کارها سلیقه و ایده آل من نبود. خودم می‌دانستم هدفم چه بود، اما از آن فاصله گرفته بودم برای همین خودم را متوقف کردم. در این سال‌ها فقط تئاتر کار کرده و اتفاقا احساس کردم به آموخته‌هایم اضافه شده است.

قیل و قال

مختار: من غربت و تنهایی پدرش علی را دیده‌ام. وقتی کوفیان با شمشیرهای آخته به خیمه‌اش ریختند و قصد جانش را کردند. تو به قدر من عراق عرب را نمی‌شناسی کیان. معاویه و عمروعاص بر اشتر جهل کوفیان سوارند. آنها بازی را در صفین بردند. عراق، روزی فتح شد که قرآن‌های مکر عمروعاص بر نیزه رفتند.

(سریال مختارنامه)

معاونت آماد و پشتیبانی ناجا

آگهی مناقصه عمومی

شماره ۹۷/۱۰۰/۸

معاونت آماد و پشتیبانی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد، تعداد یازده قلم کالای پوشاک شامل دستکش بافتنی، پوتین آموزشی زیره لاستیکی، جوراب مشکی وظیفه، کفش بی‌بند، مسواک، پوتین کویری کادر، پارچه ملحفه (تجدید مناقصه)، پتو گلدار (تجدید مناقصه)، دمپایی (تجدید مناقصه)، پارچه اورکت زیتونی (تجدید مناقصه)، پارچه اورکت استتاری کویری (تجدید مناقصه) و تعداد یک قلم کالای موادغذایی شامل گوشت قرمز منجمد سه تکه داخلی (گوساله) (تجدید مناقصه)، تعداد سه قلم کالای تخصصی شامل: تختخواب فلزی دو طبقه (تجدید مناقصه)، میز غذاخوری (تجدید مناقصه)، صندلی غذاخوری (تجدید مناقصه) مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای تامین نماید. تامین‌کنندگان واجد شرایط و دارای مدارک قانونی می‌توانند صرفا از تاریخ ۹۷/۱۰/۳۰ تا تاریخ ۹۷/۱۱/۰۴ با در دست داشتن رسید بانکی به مبلغ بیست و پنج هزار (۲۵/۰۰۰) ریال بابت هر قلم واریزی به حساب شماره ۵۱۵۱۱۵۸۱۰۳۰۰۸ هزینه سایر منابع معاونت آماد و پشتیبانی ناجا نزد بانک سپه به مرکز خرید این معاونت واقع در کیلومتر ۱۸ جاده مخصوص کرج، خیابان ۶۳ (ملک)، نرسیده به بانک قوامین، پلاک ۱۲ جهت دریافت اسناد و مدارک مناقصه مراجعه و پیشنهادهای خود را تا ساعت ۱۷ روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۶ به صندوق پیشنهادات مستقر در دبیرخانه آن مرکز ارائه نمایند.

ضمنا هزینه چاپ آگهی بر عهده برندگان مناقصه می‌باشد.

معاونت آماد و پشتیبانی ناجا